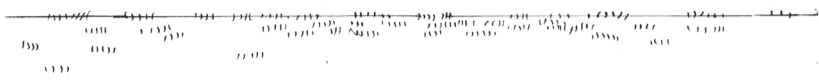




احمد عربانی

در جلسه معارفه وزیر میراث فرهنگی
صالحی امیری گفت که راه آقای ضرغامی را ادامه می‌دهیم!



ایشان در خصوص پیام وحدت به جهان اسلام از ایران، به یک نکته مهم اشاره کردند و گفتند: «اگر می‌خواهیم پیام وحدت ما در دنیا صادقانه تلقی شود، باید در درون خود متحد عمل، و به سمت اهداف حقیقی حرکت کنیم و اختلاف نظر و سلیقه نباید در همدستی و هم‌پازویی ملت تأثیر بگذارد.»

رهبری با اشاره به «جنایت‌های عیان و بی‌شمارانه صهیونیست‌ها در غزه، کرانه باختری، لبنان و سوریه»، گفتند: «طرف جنایت آنها مردان جنگی نیستند، بلکه آحاد مردمند و وقتی در فلسطین نتوانستند به مردان جنگی ضربه‌ای وارد کنند، خشم جاهلانه و خبیثت آلود خود را بر سر نوزادان و کودکان و بیماران بیمارستان‌ها خالی کردند.»

آیت‌الله خامنه‌ای علت این وضعیت فاجعه‌بار را «نا توانی جامعه اسلامی در استفاده از قدرت درونی خود» خواندند و با تأکید مجدد بر «لزوم قطع کامل ارتباطات اقتصادی کشورهای اسلامی با رژیم صهیونیستی»، افزودند: «کشورهای اسلامی باید ارتباطات سیاسی با رژیم صهیونیستی را نیز به کلی تضعیف و حملات سیاسی و مطبوعاتی را تقویت کنند و صریحاً نشان دهند که در کنار ملت فلسطین قرار دارند.» در ابتدای این دیدار، رئیس‌جمهور با اشاره به سیره نبوی در ایجاد اتحاد و اخوت بین مسلمانان، راه جلوگیری از تجاوزات و جنایت‌های رژیم صهیونیستی را برادری و یکره شدن مسلمانان دانست و گفت: «اگر مسلمانان متحد و یکره شوند، رژیم صهیونیستی به خود جرأت جنایات کنونی و کشتار زنان و کودکان را نمی‌داند.»

مسعود پزشکیان دوران دفاع مقدس را نمونه‌ای بارز از تأثیرگذاری وحدت و انسجام دانست و خاطرنشان کرد: «در دفاع مقدس، ملت ایران با وحدت درونی خود در مقابل دشمن متجاوز بعثی که همه قدرتهای دنیا از آن حمایت می‌کردند، ایستاد و اجازه نداد یک وجب از خاک کشور تصرف شود.»

امت مجموعه‌ای است که هماهنگ و با انگیزه به سمت یک هدف حرکت می‌کنند ولی ما مسلمانان امروز متفرق هستیم.»

آیت‌الله خامنه‌ای، نتیجه تفرق مسلمانان را «سلطه دشمنان اسلام و احساس نیاز بعضی از کشورهای اسلامی به حمایت‌های آمریکا» خواندند و افزودند: «اگر مسلمانان متفرق نبودند، می‌توانستند با پشتوانه و استفاده از امکانات یکدیگر، مجموعه واحدی را تشکیل دهند که از همه قدرتهای بزرگ، قدرتمندتر بود و دیگر نیازی به تکیه به آمریکا نداشتند.»

ایشان در برشمردن عوامل تأثیرگذار بر تشکیل امت اسلامی گفتند: «دولت‌های اسلامی در این زمینه می‌توانند اثرگذار باشند، اما انگیزه آنها قوی نیست و این وظیفه‌ی خواص جهان اسلام یعنی سیاستمداران، علما، دانشمندان، دانشگاهیان، طبقات با نفوذ و صاحب‌فکر، شعرا، نویسندگان و تحلیلگران سیاسی و اجتماعی است که این انگیزه را در دولت‌مداران ایجاد کنند.»

رهبری خاطرنشان کردند: «اگر به مدت ۱۰ سال مطبوعات جهان اسلام درباره اتحاد اسلامی مقاله بنویسند، شاعران شعر بگویند، استادان دانشگاه تحلیل، و عالمان دینی حکم صادر کنند، بدون تردید وضع به کلی عوض می‌شود و با بیداری ملت‌ها، دولت‌ها نیز ناچار به حرکت در مسیر خواست آنها می‌شوند.»

آیت‌الله خامنه‌ای «ایجاد وحدت و تشکیل امت اسلامی» را «داری دشمنانی سرخست» دانستند و از «فعال کردن گسل‌های درونی امت اسلامی به خصوص گسل‌های دینی و مذهبی» به‌عنوان «یکی از مهمترین شگردهای خصمانه برای جلوگیری از تشکیل امت اسلامی» یاد کردند و افزودند: «علت اینکه امام بزرگوار ما از قبل از پیروزی انقلاب، این‌همه بر روی وحدت شیعه و سنی تأکید می‌کردند، این است که قدرت جهان اسلام ناشی از اتحاد است.»

نگاه روزنامه‌نگار ۱/

تریبون مجمع عمومی برای ایران



محسن صالحی‌خواه
گزارشگر هم میهن

رئیس‌جمهور امروز تهران را به مقصد نیویورک ترک می‌کند. حضور هر ساله در مجمع عمومی سازمان ملل مهم نیست، حضور تأثیرگذار و مثبت است که اهمیت دارد. آیت‌الله خامنه‌ای در دوران ریاست‌جمهوری‌شان یک بار به نیویورک رفتند و سیدمحمد خاتمی نیز همین‌طور. اما سخنرانی‌های این دور رئیس‌جمهور در سال ۱۳۶۶ و ۱۳۷۷ هنوز هم مهم و به یادماندنی است. پس کیفیت مهم است، نه کمیت. هیچ رئیس‌جمهوری به مقام سیاسی پشت این جایگاه صرفاً به مسائل داخلی کشور خود نمی‌پردازد، چرا که یک تریبون بین‌المللی است. اما هر کدام از این مقام‌ها معمولاً تلاش می‌کنند علاوه بر پیامی که می‌خواهند به جهان مخابره کنند، صحبت‌هایشان بر اساس منافع ملی کشورشان تنظیم شود.

محمود احمدی‌نژاد، اولین رئیس‌جمهور ایران بود که ۸ بار در این مجمع سخنرانی کرد. سخنرانی‌هایی که باید به ایران، نقش بین‌المللی و بازنمایی تصویر آن اختصاصی پیدا می‌کرد. صرف‌نکار هلوکاست، تکرار تئوری‌های توطئه درباره ۱۱ سپتامبر، مدیریت جهانی، ظهور حضرت صاحب‌الزمان (عج)، انحطاط غرب، اصلاح ساختارهای جهانی و... شد. یکی از مسائلی که همان زمان و پس از صحبت‌های احمدی‌نژاد مطرح شد این بود که رئیس‌جمهور وقت ایران به راحتی پشت تریبون سازمان ملل، مسئله ضدیت با اشغالگری اسرائیل و اندیشه صهیونیسم را به پیوند ستیزی تبدیل کرد. رئیس‌جمهور وقت در آن زمان به خاطر صحبت‌های هزینه‌ساز مورد انتقادهای فراوان قرار گرفت.

حسن روحانی هم ۸ بار در این مجمع سخنرانی کرد. ۷ بار به نیویورک رفت و یکبار به صورت ویدئوکنفرانس حاضر شد. روحانی در مجموع حضور مثبتی داشت و مسئله ایران را در این سخنرانی اولویت می‌داد. همان‌طور که از مسئله فلسطین، اشغالگری و گسترش تروریسم (آن زمان مسئله داعش مطرح بود) حرف می‌زد. بخش ایران در هشت سخنرانی روحانی تا حد زیادی تحت تأثیر مسئله هسته‌ای و برجام و انعقاد تا خروج آمریکا از آن بود. باز هم مسئله ایران و منافع ملی ما بود.

سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور فقید کشورمان در سه سخنرانی خود، در لحاظ محتوای صحبت‌هایش مسیری بین احمدی‌نژاد و روحانی را در پیش گرفته بود. هم‌ظلم‌هایی که به مردم ایران می‌شود را بازگویی کرد، هم به مسائلی مثل انحطاط غرب می‌پرداخت.

مسعود پزشکیان ششمین رئیس‌جمهور ایران است که در مجمع عمومی سازمان ملل متحد حاضر می‌شود و نطق بیست و دوم از انجام خواهد داد. به‌طور طبیعی، رئیس‌جمهور نگاه دولت جمهوری اسلامی به مسائل را بازگو می‌کند؛ از وضعیت منطقه، سیاست‌های خصمانه آمریکا در جهان، استفاده از تحریم‌ها به‌عنوان سلاح، فاجعه انسانی در غزه، جنایات اسرائیل در لبنان و تهران خواهد گفت. اما امیدوارم آقای رئیس‌جمهور مسئله ایران و منافع ملی را در اولویت قرار بدهد. وقتی در ایران خودمان تا گردن در مشکلات فرو رفته‌ایم، نه رسالتی بر عهده داریم که جهان را تغییر بدهیم، نه توان اقتصادی و نفوذ سیاسی آن را داریم. بنابراین، یادآوری می‌کنم که این تریبون اول برای صحبت درباره ایران و منافع آن است، بعد برای مسائل دیگر. آن تریبون و برنامه‌های دیگر رئیس‌جمهور در سفر به نیویورک مثل دیدارها و مصاحبه‌ها، از یک سو باید بر واقعیت‌ها تمرکز داشته باشد و از سوی دیگر، گفته‌ها و مواضع از منافع ملی ایران سرچشمه بگیرد.

سمفونی خطوط

دو امدادی!

عربی

نگاه روزنامه‌نگار ۲/

خروجی خالص‌سازی

مروری بر نقش آفرینی سعید جلیلی در ابرپرونده‌های ملی از ۸۸ تا FATF



رضا رئیسی

روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی

اگرچه سعید جلیلی علاقه بسیاری به بروز و ظهور و درخشش و تالو در سپهر سیاست دارد و بارها و بارها مجدانه و مخلصانه اهتمام ورزیده و تلاش کرده که از خلوت به جلوت آید و همای سعادت در کارزار سیاست را در آغوش گیرد؛ اما هیچ‌گاه توفیق نیافت که این آرزوی دیرین و سودای رنگین را جامه حقیقت ببوشاند و از سایه به مایه برساند. با گذشت بیش از یک دهه از روزهای اوچس در بالاترین منصب سیاسی که داشته، سالی و روزگاری نمی‌گذرد که لمحهای و نفع‌های از هنرنمایی‌های او هویدا نشود و انگشت حیرت و حسرت از نقش آفرینی‌های بی‌بدیل بی‌گوهر تابناک جریان خالص‌سازی عیان و عبرت‌انگیز نشود. دبیر اسبق شورای عالی امنیت ملی و کاندیدای چندباره انتخابات ریاست‌جمهوری، این روزها هر چند دوباره به سایه‌روی گرائیده و چندان بروز و ظهور میدانی و علنی ندارد؛ اما حضور فعالانه‌اش در انتخابات پیشین و نمادسازی از او به‌عنوان عصاره جریان خالص‌سازی در نقطه کانونی این گرایش سیاسی که مدعای حکمرانی مطلوب و عیارمند سیاسی با خوانشی انقلابی و جهادی را در همه چند دهه اخیر داشته و همیشه خود را تافته جدا بافته دیده و دیگران را انحرافی و التقاطی دانسته و همه مشکلات کشور را معطوف به میدان‌داری همین تفکرات از جریانات مختلف و متکثر سیاسی در طول چند دهه اخیر، عنوان و خودش را قدیس و منجی قلمداد کرده است؛ باب توجهات راه‌تنه‌ای از آنان و شخص سعید جلیلی برنداشت، که برخی از سیاست‌پو نیز هرگز گاهی با اشارات به اقدامات و افتخارات دوران دبیری او در شورای عالی امنیت ملی (شعام) به‌نوعی به همگان گوشزد می‌کنند که جریان خالص‌سازی با چه اندوخته و پیشینه و کارکردی به دنبال قبضه قدرت سیاسی در قالب چه شخصیت و با چه کارنامه‌ای بود و کشور در آستانه غلغله‌تندین به چه وضعیتی قرار داشت.

وقتی به سراغ مهمترین و پربازترین قراردادهای اقتصادی چند دهه اخیر تاریخ ایران می‌رویم، ذهن همگان بی‌مکت و تغلل سراغ کرسنت و حواشی آن می‌رود، جایی که نام سعید جلیلی در این پرونده تاریخی به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی و بی‌چون و چرا مطرح است. وقتی سراغ مهمترین پرونده سیاست خارجی تاریخ ایران برویم چه در دوران شش‌ساله سکنداری وی، چه پس از آن تا همین امروز او نقشی بارز در فرآیند دور و دراز طی شده پرونده هسته‌ای ایران داشته است. سراغ FATF هم که برویم، روایت چند وقت پیش مصطفی پورمحمدی شنیدنی و قابل تأمل است؛ در کنار روایت بی‌زن رنگه در مورد کرسنت و اشارات علی‌اکبر صالحی در خصوص مذاکره با آمریکا، بزرگ‌ها

فکری در رؤسای‌جمهور سابق در جریان سفرهایشان به نیویورک همیشه وجود داشت که دوست داشتند ایده‌های بزرگ و دوران‌ساز برای حل مسائل جهانی ارائه کنند. چه در سخنرانی در مجمع، چه در مصاحبه‌ها یا حضور در مجامعی مثل اندیشکده‌ها یا دانشگاه‌ها. این حرف‌ها در سازمان ملل مخاطب چندانی ندارد. مخاطب اصلی در نیویورک که هیئت‌های نمایندگی کشورها هستند، می‌خواهند بدانند ایران در مسائل مشخصی مثل مسائل خاورمیانه، سیاست خارجی ایران، تحریم‌ها، روابط با کشورهای همسایه و مانند آن چه وضعی دارد و چه می‌خواهد بکند. نمایندگی‌های مستقر در سازمان ملل تمرکز روی مسائل نظری و فلسفی ندارند. همچنین تجربه نشان می‌دهد که این قبیل مسائل اگر در دانشگاه‌ها هم مطرح شود، هم انرژی زیادی می‌گیرد و هم بازدهی خاصی متناسب با انرژی‌ای که صرف آن می‌شود، نخواهد داشت. بیشترین تأثیر زمانی حاصل می‌شود که رئیس‌جمهور و تیم همراه ایشان، بر مسائل مشخص و ملموس مربوط به سیاست خارجی ایران متمرکز شوند.»

روابط ایران و غرب بسیار پیچیده شده است



رحمن قهرمانپور، تحلیلگر سیاست خارجی درباره اهمیت این سفر به «هم‌میهن» گفت: «با توجه به روی کار آمدن دولت جدید، این سفر به نیویورک و حضور در مجمع عمومی بسیار مهم است. چون کشورهای مختلف دنیا به خصوص آن‌هایی که با ایران روابط نزدیک دارند، خواستار این هستند که بدانند رویکرد دولت جدید نسبت به مذاکره با غرب، رابطه با چین و همچنین همسایگان و چند مسئله دیگر چیست. مسئله بعدی هم حضور هم‌زمان تعداد زیادی از سران کشورهای در مجمع عمومی سازمان ملل است. مجمع عمومی فرصت بسیار مناسبی است که با هزینه‌ای کمتر، تماس‌های دیپلماتیک گسترده‌ای برقرار شود. مهم است چون به ندرت پیش می‌آید که این تعداد از رهبران کشورهای مختلف جهان در یک بازه زمانی مشخص، در یک نقطه متمرکز شوند. رهبران اروپایی هم هستند و هیئت ایرانی می‌تواند با آن‌ها نیز دیدارهایی در سطح بالا داشته باشد.» وی افزود: «با توجه به تحولاتی که در خاورمیانه جریان دارد، ادامه‌دار شدن جنگ غزه و احتمال شروع جنگ اسرائیل و حزب‌الله، رهبران جهان می‌خواهند بدانند که رویکرد ایران به این مسائل چیست. مسئله تنش ایران و اسرائیل برای تجارت بین‌الملل کشورهای مختلف بسیار مهم هست. طبیعتاً در سخنرانی آقای پزشکیان احتمالاً پاسخ برخی سوال‌هایشان را پیدا خواهند کرد.» این کارشناس سیاست خارجی تأکید کرد: «به غیر از رئیس‌جمهور، دیپلمات‌ها نیز در نیویورک حضور دارند که شاخص‌ترین آنان وزیر امور خارجه است. با توجه به اینکه گفته شده دولتی در آمریکا سر کار بیاید ایران مسئله مذاکره و رفع تحریم‌ها را پیگیری خواهد کرد، این موضع بسیار مهم است و یک چرخش محسوب می‌شود. نکته دیگر این است که ایران اعلام کرد برجام قابل احیائیتست. بنابراین، مشخص است که باید مسیر جدید را طراحی کرد و در جا نرزد. این دو موضع، دو حرکت رو به جلو است که می‌تواند قفل مذاکرات را باز کند.»

قهرمانپور افزود: «دستگاه دیپلماسی تابع سیاست خارجی است که در سطوح بالاتر گرفته می‌شود. اینکه چه کسانی مجری این سیاست‌ها باشند قطعاً مهم است. توانایی‌های آنان، قدرت مذاکره و میزان تسلط بر زبان تأثیرگذار است. اما مهم‌تر از آن، تصمیماتی است که در سطوح کلان و بالای کشور گرفته می‌شود. باید دید این تصمیمات دست تیم مذاکره‌کننده را باز می‌گذارد یا نه. اینکه برجام قابل احیاء نیست و هر دولتی در آمریکا سر کار بیاید مذاکره خواهیم کرد، دو مسئله‌ایست که پیش از این وجود نداشت و مطرح نمی‌شد. دستگاه مجری سیاست خارجی نمی‌تواند سر خود چنین موضعی بگیرد. البته که این تیم اجرایی طبیعتاً از تیم قبلی بهتر است اما باید دید که شرایط به کدام سمت می‌رود. شرایط بین‌المللی، جنگ اوکراین و جنگ غزه باعث شد که تنش در روابط ایران و آمریکا از موضوع هسته‌ای فراتر برود و حتی شامل تنش با اروپا هم بشود. به همین دلیل، با توجه به این شرایط و اینکه ۴۵ روز تا انتخابات آمریکا باقی مانده، بعید است که شاهد آغاز مذاکرات علنی و رسمی باشیم. مگر اینکه پشت پرده مذاکرات و آماده‌سازی‌های مقدماتی انجام شود و بعد از تعیین تکلیف انتخابات آمریکا، گفت‌وگوها کلید خورد.»